

**درگذشت نسایی(صاحب سنن کبیر)**

ابوعبدالرحمن، احمد بن شعیب بن علی و به روایتی احمد بن علی بن شعیب بن علی، معروف به نسایی...

**درگذشت نسایی(صاحب سنن کبیر)سال 303 هجری قمری**

ابوعبدالرحمن، احمد بن شعیب بن علی و به روایتی احمد بن علی بن شعیب بن علی، معروف به نسایی، نویسنده کتاب "السنن الکبیر" یکی از منابع معتبر و معروف روایی اهل سنت، در سال 215 قمری در منطقه نساء (از مناطق خراسان بزرگ) دیده به جهان گشود.

در آغاز نوجوانی به دنبال تحصیل علم رفت. بدین منظور از روستای خود به بغلان (در طخارستان) در نزد قتیبة بن سعید بن جمیل (عالم معروف منطقه) رفت. پس از چندی به نیشابور، سپس به حجاز، مصر، عراق، جزیره (سرزمین‌های میان دجله و فرات)، شام و ثغور مهاجرت کرد. وی پس از مدتی گشت و گذار علمی و زیارتی، در محله قنادیل مصر، ساکن گردید.

نسایی پس از تلاش‌های فراوان علمی، به یکی از دانشمندان بزرگ عصر خویش تبدیل شد. درباره ویژگی‌های شخصی‌اش گفته شد: دارای چهار همسر، خوش خوراک و یک روز در میان روزه می‌گرفت و هر روز یک مرغ بریان تناول می‌کرد.

نسایی در رشته‌های حدیث، فقه، رجال و درایه، سرآمد روزگار خود بود. به طوری که برخی گفته‌اند: و کان أفقہ مَشایخِ مصر فی عصره، و أعلمهم بالحدیث و الرِّجال.

وی دارای تألیفات چندی است که برخی از آن‌ها، معروف و مشهور است. برخی از نوشته‌های وی عبارتند از: 1- السنن الکبیر (جامع روایی اهل سنت). 2- خصائص علی (ع) این کتاب که جزئی از سنن کبیر او است، درباره ویژگی‌ها و فضایل امام علی بن ابی طالب (ع) به رشته تحریر آورده است. نوشتن این کتاب برای وی سنگین تمام شد و در جوامع اهل سنت، به ویژه در میان نواصب و خوارج منطقه شام، به شیعه‌گری متهم شد و با وی در این باره برخورد نامناسب و ناروایی به عمل آوردند.

3- مسند علی (ع). 4- عمل یوم و لیلۃ. این کتاب در برخی از چاپ‌های سنن کبیر، جزیی از این کتاب به حساب می‌آید و گاهی به طور جداگانه چاپ و منتشر شده است. 5- التفسیر. درباره تفسیر قرآن کریم است. 6- فضائل الصحابة. 7- کتابی درباره کنیه‌ها.

درباره وی گفته شد: مدتی امارت شهر "حمص" (از توابع شام) را بر عهده داشت.

نسایی در اواخر عمر خود از مصر به شام مسافرت کرد. در آن هنگام به خاطر نوشتن کتاب خصائص علی (ع)، بسیار معروف شده بود. به همین جهت هنگامی که وارد شام شد، به تحریک بدخواهان و رشک‌ورزان، هر روز عده‌ای برای وی مزاحمت‌هایی به وجود می‌آوردند.

در این باره، تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان سخن‌های زیادی گفته‌اند. از جمله این که گفته شد: گروهی بر او خورده گرفته و وی را مورد اعتراض قرار دادند. چون او درباره امام علی بن ابی طالب (ع) کتاب "خصائص" را نوشت ولی درباره شیخین (ابوبکر و عمر) کتابی تألیف نکرده بود. وی در پاسخ منتقدان خود گفت: هنگامی که وارد دمشق شده بودم، در مردم انحراف‌های زیادی درباره حضرت علی (ع) مشاهده کردم. همین امر سبب گردید که کتابی درباره فضایل آن حضرت به عنوان "خصائص" تألیف کنم. تا شاید خداوند سبحان به وسیله آن، اهالی دمشق را هدایت کند.

نسایب پس از کتاب خصائص علی(ع)، کتابی با عنوان "فضایل صحابه" تألیف کرد.

در آن زمان به وی گفتند: چرا فضایل معاویه را در این کتاب، نقل نکردی؟

وی در پاسخ گفت: برای معاویه چه فضیلتی نقل کنم؟ من فضلی برای او نیافتم مگر این که پیامبر(ص) درباره او فرموده بود: **أَلْهَمَ لَاتَشْبَعُ بَطْنَهُ؛ خدایا هیچ‌گاه شکمش را سیر مگردان.**

پس از این گفت‌وگو، بدخواهان و بی‌خردان دمشق بر وی هجوم آورده و به صورت تحقیرآمیزی، شکنجه و آزارش دادند و وی را بیمار نمودند.

نسایب از آن ماجرا، جان سالم به در نبرد و بر اثر همان آزارها، بدرود حیات گفت.

وی سفارش کرد که او را از دمشق خارج کرده و به رمله(در منطقه فلسطین) ببرند. به روایتی دیگر سفارش کرد که وی را به مکه معظمه، منتقل نمایند.

درباره تاریخ وفات، محل وفات و محل دفنش، اتفاقی در میان تاریخ‌نگاران نیست. برخی می‌گویند: وی در رمله، وفات یافت و در بیت‌المقدس دفن شد. برخی دیگر می‌گویند: وی در شام یا رمله وفات یافت و جسدش را به مکه منتقل کردند. برخی هم گفته‌اند: وی در حال بیماری از شام به مکه رفت و در مکه وفات یافت و میان صفا و مروه دفن شد. تاریخ وفات وی را برخی شعبان سال 302 قمری و برخی دیگر صفر سال 303 قمری دانسته‌اند.

اکثر مورخان، سیزده صفر سال 303 قمری را صحیح‌تر از موارد دیگر می‌دانند.